

'از یک سو باید بماتیم تا شهید آینده شویم و از دیگر سو باید شهید شویم تا آینده بماند. هم باید امروز شهید شویم تا فردا بماند و هم باید بماتیم تا فردا شهید نشود، عجب دردی چه می شد امروز شهید می شدیم و فردا زنده می شدیم تا دوباره شهید شویم.'



کی با حسین کار داشت؟

یک قناسه چی ایرانی که به زبان عربی مسلط بود اشک عراقیها را دآورده بود.با سلاح دوربین دار مخصوصش چند ده متری خط عراقیها کمین کرده بود و شده بود عذاب عراقیها.چه می کرد؟ باراول بلندشد و فریاد زد: «ماجدکیه؟» یکی از عراقیها که اسمش ماجد بود سرش را از پس خاکریز آورد بالا و گفت: «منم!»

ترق!
ماجدکله پا شدوقل خورد آمد پای خاکریز و قبض جناب عزرائیل را امضا کرد! دفعه بعد قناسه چی فریاد زد: «یاسر کجایی؟» و یاسر هم به دست بوسی مالک دوزخ شتافت!

چند بار این کار را کرد تا اینکه به رگ غیرت یکی از عراقیها به نام جاسم برخورد
فکری کرد و بعد با خوشحالی بشکن زد و سلاح دوربین داری پیدا کرد و پرید رو خاکریز و فریاد زد: «حسین اسم کیه؟» و نشانه رفت. اما چند لحظه ای صبر کرد و خبری نشد. بادلخوری از خاکریز سر خورد پایین. یک هو صدایی از سوی قناسه چی ایرانی بلند شد: «کی با حسین کار داشت؟» جاسم با خوشحالی هول و ولان کنان رفت بالای خاکریز او گفت: «من» «» «»
ترق!
جاسم بایک خال هندی بین دو ابرو خودش را در آن دنیا دید!

در جامعه کنونی شاهد تغییراتی در راه و روش زندگی مردم هستیم، تغییراتی که در جهت رسیدن به آرمانهای انقلاب اسلامی حرکت نمیکند. فاصله گرفتن تدریجی جامعه از آنچه به عنوان اهداف انقلاب برایمان روشن شده است زمینه ورود و توسعه نفوذ را هر روز افزایش میدهد.

از جمله اعتقادات و باورهایی که نشأت گرفته از ورود دشمن به روح مردم است. شاید برخی از ما فکر کنیم که تحت تأثیر نفوذ و غلبه دشمن قرار نگرفته و بر اصولمان پایبندیم اما در واقع با اندکی تأمل تأثیر آن بر زندگیمان، کماکان مشهود است. به عنوان مثال تأثیر رژیم غذایی در افزایش بیماری ها، افزایش آمار طلاق، افزایش سن ازدواج و ازدیاد تجمل گرایی و...

با این تفاسیر، ما به عنوان فردی تأثیر گذار در جامعه باید قدمی جهت شناخت عمیق نفوذ برای پاسداری از ارزشهایمان برداریم.

نفوذ چیست؟ آیا تنها بدین معنیست که یک نفر از خارج بیاید و بزک کرده در گروه ما نفوذ کرده و اطلاعات ما را در اختیار دشمن قرار دهد؟! نه این فقط کم اهمیت ترین تعریف نفوذ است.

نفوذ به معنای رخنه است و رخنه به این معناست که در جهت تغییر، اصلاح و یا هموار ساختن ذهنیت ما، اهداف، برنامه ها و راهبردها تنظیم میشود. راهبرد نفوذ ابعادی همچون نفوذ سیاسی، فکری و فرهنگی است.

هدف دشمن از این راهبرد، تخریب یا تغییر باورهای دینی، اعتقادی و یا انقلابی افراد جامعه است. دشمن با ناامیدی از به ثمر رسیدن راهبرد نظامی به دنبال راه های نفوذ به جسم و ذهن و روح و مبانی عقیدتی و فکری و فرهنگی مردم ایران به خصوص نسل جوان و فرهیخته است تا بتواند با کمترین هزینه و بدون خونریزی به اهداف خود نایل شود باید دانست که در زمینه نفوذ سیاسی تصمیم گیران و تصمیم سازان مورد هدف هستند در زمینه فکری دشمن معتقد است ذهن تغییر یافته، جامعه را نیز تغییر میدهد و در زمینه فرهنگی نیز فرهنگ غربی در بعضی کشورها باعث شده زنان فرهنگ بومی خود را از دست داده و فاقد هویت شوند اما نفوذ زمانی ایجاد می شود که بی بصیرتی در مردم افزایش یابد و یا ایجاد شود که آن هم به دلیل این است که روح علوی ناشی از مذهبمان در زندگی جریان نداشته باشد.

میتوان گفت برخی از نتایج نفوذ، تحریف خط امام و عادی سازی رابطه با دشمن و عدم توجه به منویات مقام معظم رهبری و نیز تغییر سبک زندگی است.

سبک زندگی انسان ها که مجموعه رفتارها، مدل ها و کنش های هر فرد را در بر میگیرد با هویت، ارزش و فرهنگ جامعه ارتباط متقابل دارد بنابراین سبک زندگی یک جامعه بر فرهنگ آن جامعه تأثیر بسزایی دارد.

ترویج سبک زندگی اسلامی در جامعه مانع نفوذ تفکر غربی می شود که دشمن در صدد ویرانی این سبک از زندگیست.

که در این میدان، تمرکز دشمن بر روی زنان است. زن رکن اساسی هر خانواده است که نقش تربیت فرزند، پاسداری خانواده و ایجاد آرامش و تامین بهداشت روانی را بر عهده دارد. پس چون هدف دشمن نابودی بنیان خانواده هاست لازم میدانند نفوذ را در قالب زنان بیشتر عملی کرده که تخریب حجاب و ترویج فمینیست، یکی از این راهبردهاست. اگر زنان با جایگاه واقعی خود در خانواده و جامعه آشنا نشوند و فلسفه ی حجاب را ندانند قطعاً دچار نفوذ آسیب خواهند شد که نتیجه اش حداقل به ثمر رسیدن اهداف دشمن در زمینه نفوذ در فرهنگ، اصالت، ارزش و باورهای یک خانواده و در نهایت، کل اجتماع است.

نویسنده: یکی از جنس خودتون!

امام خمینی: پنجاه سال عبادت کردید، و خدا قبول کند، یک روز هم یکی از این وصیتنامه‌ها را بپذیرید و مطالعه کنید. جوانان ما تحول پیدا کردند و راه صد ساله را با یک شب پیمودند.



همه جا کربلاست...

آنچه می خوانید: آشنایی بایک هم دانشگاهی آشنا ولی غریب... (هر دو شماره) // زندگی بی زن جریان داره؟! / پنج دقیقه با من باش همیشه اون چیزی نمیشه که ما فک میکنیم! (شماره بعد) // با دوستان مروت با دشمنان مدار! (شماره بعد) // جایزه بی جایزه

ببخشید یک لحظه



همه انسانها می میرند ولی شهیدان این سرنوشت همگانی را به بهترین وجه سپری کردند ، وقتی قرار است این جان برای انسان نماند چه بهتر در راه خدا این رفتن انجام بگیرد

دلواپسون و چرای

چون وچرای دلواپسی!

یکی از سونامی هایی که در دنیا در حال رخ دادن است موج بی تفاوتی و ناشتن دغدغه در مردم است...دیگر کسی به فکر همسایه اش نیست،دیگر کسی دلواپس دوستانش نیست واز همه بدتر،دیگر کسی حتی حوصله ی خودش را هم ندارد.

یکی از نگرانی هایی که هنوز هم در جامعه وجود دارد و تا موعد ظهور نیازمند تلاش ماست،این است که امروزه دشمن از همه بیشتر در تلاش است تا ما را مشغول زندگی دنیوی مان کرده و نگذارد قدرت تحلیل اخبار اطرافمان را پیدا کنیم.

اینقدر درخواب ماندن توی دانشجو برای جبهه ی باطل ارزشمند است که میلیارد ها دلار برایش سرمایه گذاری میکند.

پس تا حق هست باطل هم هست تا اینکه موعد ظهور برسد.

باطلی که زر وسیم های خود را برای تنها گذاشتن امام حسن(ع) در برابر چشمان مردم کوفه به حراج گذاشت.وآن شد تنهایی حسن (ع)وپاره پاره شدن جگرش از سم زهر آگین...



سرمقاله

سوی چراغ

جوهر قلمم را با خاک شلمچه متبرک کردم و با وضو نشستم پای درد دل شهدا... تا با قلمم فقط بخشی از راز دل آنها را با توی دانشجو بازگو کنم... شاید فکر میکنید یکی از اصلی ترین دغدغه های شهدا جلوگیری از ورود دشمن به درون خانه هایشان بود،در حالی که این فقط بخشی از هدف آنها در دنیای بیکرانی بود که هر روز میبایست آماده ی ظهور میشد.به راستی اهدای جان گرانبهاشان فقط برای دفاع از ناموس بود؟ به راستی قلم زرین شهید آوینی برای به رخ کشیدن چه بود؟ وصیت نامه های شهدا چه حرفی با ما دارند که میگویند خواندن آنها با تفکر به اندازه ی پنجاه سال عبادت است؟!

دشمنی که آنها سالیان پیش در دفاع مقدسشان شناختند با دشمن امروزمان متفاوت است؟یا اینکه دشمن د ر لباسی دیگر و با ترفندی دیگر دست به گریبان ما شده و ما ببخیریم!

تا کی حرف های کلیشه ای بزنیم؟!آیا وقت آن نرسیده برای دلخوشی یکی از آنها هم که شده زمانی را برای دفاع بگذاریم؟! به نظر شما آیا هنوز هم دفاع مقدس هست یا نیست؟! به نظر شما آیا هنوزآرمان خواهی به نفع ماست یا نیست؟ به نظر شما آیا زمان شبیه شهدا بودن نرسیده؟!آنها هم مثل ما بودند!جوان و سرزنده...تنها تفاوتشان بصیرتشان بود که با اراده به آن خواهی رسید! شهدا را از خود دور نبین ،او کنار توست!

برخیز!

همان باطلی که عمر سعد را تشنه ی ری ساخت و مردم کوفه را برای چندمین بار در دام خود گرفتار کرد به طوری که نتوانستند بین امرار معاش و زرو سیم دنیا ومسلم و حسین فاطمه یکی را برگزینند. مگر نه اینکه سربازان دشمن برای تخریب علی(ع) بره هایی را با نام معاویه به کودکان هدیه می دادند و بعد از چند صباحی همان بره ها را به زور و با نام سربازان علی(ع) از کودکان پس می گرفتند؟!

اگر مردم کوفه تحلیل دقیقی از زمانه خود و از حاکمیت سیاسی می داشتند به نظر تان بعد از شهادت علی (ع) در محراب می پرسیدند"مگر علی هم نماز می خواند؟!"

واکنون هم ،اثر تبلیغات دشمن به قدری گسترده شده است که داعش را نماد اسلام ناب محمدی در جهان معرفی کرده اند. به نظر شما اینکه انسان تحلیل درست و بینش درست نداشته باشد مسلمانی اش در خطر نخواهد بود؟**و تاریخ تکرار شد نیست و عبرت ها بسیار اندک...**

دیروز مردم کوفه با بی بصیرتی ،مسلم ، که نایب امام بود را تنها گذاشته و حسین را با طلا تعویض کردند.پس بهتر این است تا دیر نشده برای شناخت امام زمانمان ونائیش وکسب بصیرت و آگاهی نسبت به اتفاقات اطرافمان قدم برداریم . و این را بدانیم اگر دشمن بخواهد در ما نفوذ کند اول باید ما را نسبت به اتفاقات کشورمان بی تفاوت کرده و بعد حمله کند... به راستی امروز نائب امام زمانمان کیست؟!

آشنایی با یک هم دانشگاهی آشنا ولی غریب...

وقتی داستان زندگیش رو خوندم حیفم اومد نقاط برجسته ی زندگیش رو با شما هم در میون نگذارم...

با اینکه میشناسیدش و اسمشو شنیدین ولی بهتره که با دقت بیشتری به نقاط برجسته ی زندگی این آشنا نگاهی بندازیم.

اسمش رو نمیارم...بهتره که این بار خودتون حدس بزنید که این آشنا کیه؟! اردیبهشت ماه سال ۱۳۳۴ در تهران متولد شد. در دوران دبیرستان بود که تلاش های فکری و اعتقادی او برای فهم اسلام شکل گرفت و همگام با تحصیل در دبیرستان به بهره جویی از مدرسین حوزه علمیه چون آیت الله ناصر مکارم شیرازی و آیت الله جعفر سبحانی و شهید مطهری پرداخت .

باتوجه به شرایط خانوادگی و هوش و ذکاوتی که داشت میتوانست در بزرگترین مراکز علمی و دانشگاه های معتبر خارج تحصیل کند. ولی وقتی حس ادای تکلیف در او زنده بود نتوانست در آن شرایط، کشورش را ترک کند...پس در سن ۲۰ سالگی به عنوان دانشجوی پزشکی وارد دانشگاه ما میشود... از سال ۱۳۵۲ تا اواخر سال ۱۳۵۶ که مصادف با دوران خفقان رژیم منحوس پهلوی بود حرکت جهادی خود را در دو بعد فکری و سیاسی ادامه میدهد...از نقاط برجسته ی فعالیت های این آشنا قبل از انقلاب اینست که در خوابگاه دانشگاه، اقدام به تاسیس یک کتابخانه اسلامی کرد که در این صورت به شناسایی و جذب نیرو کمک بسیاری میکرد.

مهمترین ویژگی او درمندی ودغدغه مندیش بود، تأثیر گذاری شگرف او در جامعه به خاطر بیان مطالب جدید و واژگان روشنفکری و مانند این ها نبود بلکه به خاطر روش پسندیده او در عرضه ی اسلام بود .

قدرت بیان او در تبیین و تفهیم مسائل و احتیاجات فکری جوانان دانشگاهی آن هم بدون ترس و هراس از سرزنش سرزنش کنندگان، از او شخصیتی محبوب و قابل توجه ساخته بود . شخصیتی که در مقابل برچسب ها و انگ های گوناگون مقاومتی سخت تر از مقاومت کوه را نشان می داد که : المؤمن أصلب من الجبل. همزمان با اوج گیری انقلاب مجمع احیاء تفکرات شیعی رو برپا کرد بسیاری از گزاره ها از قبیل ضوابط حرکت بر صراط مستقیم ، در تنهایی ثقلین ، اگر فاطمه نبود، جایگاه و موقعیت زن در جامعه اسلامی و...که امروز کلیشه شده و به راحتی به زبان آورده می شود، در عصر او در میان دانشجویان و جوانان که با رژیم ستم شاهی مبارزه می کردند مطرح نبود و شاید بتوان گفت در دانشگاهیان آن روز چنین عباراتی غریب می نمود.اوبرای اولین بار در سطح دانشگاه به جای مباحثی چون : جامعه ی بی طبقه توحیدی، خود سازی انقلابی و مانند این ها که رایج بود ضوابط حرکت بر صراط مستقیم را موضوع سخنان خود قرار داد تا نشان دهد که دغدغه ها و دل مشغولی های او از سنخ دیگری است .

جدا سازی کلاس های خانم ها از آقایان برای اولین بار در قشر دانشجویی آن روز به منظور حفظ حدود و تقوای الهی، پیام بزرگی در بطن خود داشت که فضای کلاس ها را در ظاهر متفاوت نشان می داد. ادامه زندگینامه ی این شهید در شماره بعد... بالاخره تونستید حدس بزنید که این آشنای غریب کیه؟... همچنان منتظر باشید...

ببخشید یک لحظه

یک جوان گاهی اوقات می تواند مجموعه پیرامونی خودش را – کلاس راه استاد را و حتی دانشگاه را – زیر تأثیر شخصیت معنوی خودش قرار دهد



***قدرت بیان او در تبیین و تفهیم مسائل واحتیاجات فکری جوانان دانشگاهی آن هم بدون ترس و هراس از سرزنش سرزنش کنندگان،از اوشخصیتی محبوب وقابل توجه ساخته بود.**

***شخصیتی که در مقابل برچسب ها و انگ های گوناگون مقاومتی سخت تر از مقاومت کوه را نشان می داد.**

***بسیاری از گزاره ها از قبیل ضوابط حرکت بر صراط مستقیم، در تنهایی ثقلین، اگر فاطمه نبود، جایگاه وموقعیت زن در جامعه اسلامی و...که امروز کلیشه شده و به راحتی به زبان آورده می شود، در عصر او در میان دانشجویان و جوانان که با رژیم ستم شاهی مبارزه می کردند مطرح نبود.**

جایزه بی جایزه!

بعد از تمام حال و هوایی که پس از خوندن نشریه بهتون دست داد دو سوال مسابقه هم داریم،امیدواریم با درایت و تفکر خودتون! به جواب پی ببرید و جواب رو در همان روز انتشار نشریه به شماره ی زیر پیامک کنید.

۳۰۰۷۶۵۴۳۲۱۰۵۴ جایزه هم محفوظه...

۱- نام این"هم دانشگاهی آشنا ولی غریب" چیست؟
(أ شهید فریبرز زینال زاده ب) شهید وحید شاديفر ج) شهید محمد جواد صالحیان د)شهید عبدالحمید دبالمه

۲- هر کدام از شهدای سوال قبل از کدام دانشگاه، دانشکده و کدام رشته هستند؟ (تشریحی)